

## نقدی بر سنت گرایی رویکرد تقلیل گرایانه به سنت

منبع: روزنامه شرق، ضمیمه روزنامه، صفحه سخن نخست، شنبه، دوم بهمن ماه ۱۳۸۹

۱. سنت گرایی از نحله‌های فکری تاثیر گذار در فضای فرهنگی ایران معاصر است. سنت گرایان دلی در گرو آموزه‌های مدرن ندارند و با دستاوردهای فلسفه و علم بر سر مهر نیستند. بنابر رأی ایشان فلسفه جدید از زمان دکارت به بیراهه رفته و "سوپرکتیویسم دکارتی" سلسله جنبان کژروی و خروج از جاده حقیقت و معرفت بوده است؛ هرچند علی‌الظاهر این حکم مختص ریشه‌های مدرنیته است و به میوه‌های آن تسری پیدا نمی‌کند؛ چرا که عموم سنت گرایان به رغم مخالفت با ایده‌های مدرن، مشکلی در بکار بستن فراورده‌ها و محصولات تکنولوژیک مدرن نظیر رایانه، فکس، هواپیما، تلفن همراه، تجهیزات پزشکی جدید... ندارند. برخی از منتقدین سنت گرایان به درستی به موضع مبهم سنت گرایان در باب مقولاتی چون حقوق بشر، جامعه مدنی، ساز و کار دموکراتیک... اشاره کرده‌اند. از سویی به نظر می‌رسد ایشان عملاً در پی رد و انکار این آموزه‌ها و نهادهای مدرنی که مبتنی بر این ایده‌ها در جهان جدید پی‌افکنی شده‌اند، نیستند؛ از سویی دیگر نظام معرفتی ایشان به مقولاتی چون دموکراسی، پلورالیسم، پارلمانتاریسم... که در زمره فراورده‌های فلسفه سیاسی جدیداند، گشوده نیست.

در این نوشته مختصر می‌کوشم تا نشان دهم مسئله پیش روی سنت گرایان، عمیق‌تر و بنیادی‌تر از رأی ناروشن ایشان در باب آموزه‌های سیاسی مدرن است؛ و رهگشا بودن و کارآمدی نظام معرفتی ایشان در گرو پرداختن به این مسئله و به دست دادن تلقی موجه و جامع‌الاطرافی از مفهوم "سنت" است.

۲. داریوش شایگان از پدیده "ایدئولوژی شدن سنت" در کشورهای حاشیه مدرنیته یاد می‌کند. بنابر رأی او، برخی از روشنفکران کشورهای پیرامونی (نظیر مرحوم علی شریعتی) با وام کردن مفاهیمی چون "ایدئولوژی" که نسبت‌نامه‌ای مدرن دارد و یادآور ایده‌های متفکرین و روشنفکران اروپائی قرن بیستمی است، خواسته یا ناخواسته، قرائتی ایدئولوژیک از سنت بدست می‌دهند؛ قرائتی که در آن به نحو کاملاً گزینشی پاره‌هایی از سنت اخذ می‌شود و پاره‌هایی دیگر فرو نهاده می‌شود، تا ایدئولوژی تراش خورده و رهگشایی در کارزار با نظام‌های فکری مدرنیستی موجود (نظیر سوسیالیسم، مارکسیسم، انگلیستانسیالیسم) فراهم آید. ایشان چنین می‌انگارند که قرائتی از سنت ارائه کرده‌اند که توانا تر از مکاتب رقیب موجود است و در مواجهه با آنها سربلند و موفق است؛ حال آنکه در نهم از همان ابزار و ادواتی مدد می‌گیرند که به نزاع با آنها برخاسته‌اند؛ چرا که بدست دادن چنین قرائتی از

سنتِ پس پشت، قویاً ملهم از آموزه‌ها و مفاهیم مکاتب رقیب است؛ هر چند ایدئولوژیک‌ها می‌پندارند که با ابزارهای نظری و مفاهیم برساخته خویش کمر به هدم آنها بسته‌اند و آنها را مغلوب کرده‌اند: یکی بر سر شاخ و بن می‌برید...

۳. به نظر می‌رسد مواجهه سنت‌گرایان با مفهوم "سنت" نیز کم و بیش چنین مواجهه‌ای است. به تعبیر دیگر، درک و تلقی سنت‌گرایان از سنت دینی، گزینشی و محدود است. "سنت" نزد سنت‌گرایان بیش از همه مؤلفه‌های سنت و امدار عرفان است و فلسفه غیر مشائی اسلامی با تأکید بر شیخ‌اشراق و ملاصدرا، آنچه به تعبیر ایشان "حکمت خالده" نامیده می‌شود؛ حال آنکه سنت اسلامی متضمن مؤلفه‌های دیگری چون فقه، کلام، تفسیر... نیز هست؛ مؤلفه‌هایی که عموماً در مباحث سنت‌گرایان ذکری از آنها به میان نمی‌آید و حدود و ثغور و مبادی و مبانی انسان‌شناختی، وجود‌شناختی و معرفت‌شناختی آنها به بحث گذاشته نمی‌شوند.

یکی از سنت‌گرایان نامبردار معاصر، علاوه در مباحث خویش از "سنت" (Tradition) بحث می‌کند؛ سنتی که صبغه و سمت و سوی معنوی داشته و بیش از هر چیز به گوهر معنوی مشترک میان ادیان اشاره دارد (اعم از ادیان ابراهیمی و ادیان غیر ابراهیمی). او با تمام توان خویش در جهت اعتلای این "سنت" می‌کوشد و در مقام نقد مکاتب فلسفی و علمی جدید بر این "سنت" تکیه می‌کند؛ در حالیکه این تلقی از سنت بیش از اینکه متخذ از درک مسلمانان از مفهوم سنت باشد و مبتنی بر آنچه در میان عالمان جاری و ساری است؛ برگرفته شده از درک برخی از محققین و متخصصین غربی‌ای است که درک گزینشی و غیر مطابق با واقع از آنچه موسوم به سنت اسلامی است، بدست می‌دهند. عموم عالمان و محققان دینی مسلمان چنین درک مضیقی از سنت ندارند؛ چراکه در نظر ایشان سنت اسلامی علاوه بر فلسفه غیر مشایی و عرفان، مشتمل بر آموزه‌های فقهی، کلامی، تفسیری... نیز می‌باشد که در خور بحث و تتبع و تأمل اند.

به نظر می‌رسد پروژه سنت‌گرایان روی دیگر سکه روشنفکرانی است که می‌کوشند با ایدئولوژیزه کردن سنت، قرائتی رهگشا و توانا از آن بدست دهند، با این تفاوت که ایدئوگ‌ها در دستاوردهای جهان جدید به دیده عنایت می‌نگرند و آنها را در مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی خویش بکار می‌گیرند و به توضیحی که آمد در نهان با خصم خویش هم‌خانه‌اند؛ حال آنکه سنت‌گرایان با ایده‌های مدرنیستی بر سر مهر نیستند، ولی با قرائت گزینشی آکادمیسین‌ها و محققین غربی از مفهوم "سنت" همدلند؛ محققینی که نگاهی جامع‌الاطراف به سنت اسلامی و مقومات عدیده آن ندارند. اگرچه سنت‌گرایان به زعم خویش تمام مساعی خویش را نقد آموزه‌های مدرنیستی و مکاتب جدید غربی بکار می‌گیرند، اما در نهان تلقی‌ای از "سنت" را بکار می‌گیرند که برساخته کسانی است که از بیرون به سنت اسلامی و آنچه در آن جاری و ساری است، می‌نگرند؛ نگاهی که به نظر می‌رسد چندان مطابق با واقع نیست.

سنت‌گرایان علی‌الاصول می‌توانند با اندیشه‌های مدرن بر سر مهر نباشند و فلسفه جدید را بالمره ناموجه بینگارند؛ اما مادامی که تلقی جامع‌الاطرافی از مفهوم "سنت" را برنگیرند و مراد خویش را از به کار بستن این مفهوم روشن نسازند، پرداختن به مدعیات و ادله ایشان چندان رهگشا و کارآمد و بصیرت‌آموز نیست.